فصل چهارم اصول اوزان و بعض از زحافات و فروع آن که محتاج الیه بود دانسته شد بدانکه بحوری که از تکرار
بعض ازان یا از ترکیب بعض با بعض دیگر حاصل میشود نوزده است بعض مخصوص بعرب و بعض مخصوص بعجم
و بعض مشترک آن که محتاج بود دانسته شد بحور بحر که تکرار نوزده است و آن اینست ۱ طویل ۲ مدید ۳
بسیط ۴ کامل ۵ وافر ۶ هزج ۷ رجز ۸ رمل ۹ منسرح ۱۰ مضارع ۱۱ مقتضب ۱۲ مجتث ۱۳ سریع ۱۴ جدید
۱۵ قریب ۱۶ خفیف ۱۷ مشاکل ۱۸ متقارب ۱۹ متدارک بنا طویل و بسیط برد و جزو مختلفست یکی خماسی و یکی
سباعی اجزا طویل دوبار فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن میشود بیت چه کردیم نگارینا که با من چها کردی
قرارم ز دل بردی ز صبرم جدا کردی و اجزاء مدید دوبار فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن میشود بیت
بی وفا یارا که هی یاد غمخواری بکن عاشق بیچاره را چاره گاری بکن و اجزا بسیط دوبار مستفعلن فاعلن
مستفعلن فاعلن است بیت چون خار و خس روز و شب افتاده ام در رهت باشد که بر حال من افتد نظر
ناگهت و بحار وافر و کامل از سباعیات است که مرکب از پنج متحرک و دو ساکن اجزا وافر ششبار مفاعلتن
بیت خدنش ان سحری که اه شبنم کند اثری ز راه وفا بسوی منت قدم گذری و اجزا کامل ششبار متفاعلن
بیت چه کند شمن چه جدا شود شمن از صنم مگر انکه روز شبان لنشسته بود بغم و بعض از متأخران شعرای عجم
بر کامل مثمن شعر گفته اند و خالی از عذوبتی نیست چنانکه خواجه جمال الدین سلمان فرماید بیت بصنوبرقد
دلکشش اگر ای صبا گذری کنی بهوای جان حزین من دل خسته را خبری کنی

Copyright © King Saud University